مطالعات دین‌پژوهی / سال هفتم/ شماره چهاردهم/ پاییز و زمستان ۱۴۰۲/۲۱-۴۰

# بررسی فقهی خلوت با نامحرم در منابع شیعه و اهل سنت

جعفر علی‌گلی[۱]، سیدعلی سیدموسوی[۲]، صدیقه محقق[۳]

## چکیده

گسترش روابط اجتماعی، مسئله ارتباط زن و مرد نامحرم را پررنگ‌تر کرده است. این ارتباط‌ها گاهی موجب شکل‌گیری خلوت بین آنها می‌شود. کسب آرامش و تعالی مادی و معنوی جامعه اسلامی در گرو تنظیم هوشمندانه روابط با نامحرمان است. هدف از پژوهش حاضر، بررسی فقهی-اجتهادی حکم شارع درباره خلوت زن و مرد نامحرم است. اطلاعات پژوهش به‌روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری و به‌شیوه تحلیلی-اجتهادی تجزیه و تحلیل شده است. ادله تحریم خلوت در منابع شیعی شامل چند دسته روایات، شهرت فتوایی، سیره متشرعه و علت دانستن خلوت برای وقوع در حرام است. درمقابل به‌دلیل ضعف سندی روایات، ضعف دلالت روایات بر حرمت خلوت، وجود روایات معارض و رد شهرت فتوایی، رد سیره متشرعه و حکمت نبودن خلوت برای وقوع در حرام، ادله گروه اول نقد شده است. بااین‌وجود، به‌دلیل روایات متعدد مانند نظر بیشتر فقها، احتیاط در ترک خلوتی است که حضور یا نظارت دیگران وجود ندارد، البته جایی‌که خلوت مقدمه برای هر نوع کار حرامی باشد از باب ریبه یا مقدمیت حرام است. براساس منابع اهل سنت، خلوت زن و مرد نامحرم جایز نیست مگر اینکه با حضور فرد مورد اعتمادی باشد. مصادیق خلوت در مذاهب اهل سنت متفاوت بوده و نظرات علما در این‌باره با پذیرش اصل حرمت خلوت مختلف است.

**واژگان کلیدی:** نامحرم، خلوت، دلیل فقهی، منابع شیعه، منابع اهل سنت.

---

۱. دانش‌پژوه دکتری قرآن و روان‌شناسی، جامعه‌المصطفی العالمیه، قم، ایران.

۲. عضو هیئت علمی مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Email: sas.mousavi110@gmail.com

۳. دانش پژوه سطح چهار فقه خانواده، مربی گروه فقه خانواده از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Email: smohaghegh22@ gmail.com

**۱. مقدمه**

انسان موجودی اجتماعی است و با زندگی فردی قادر به تأمین نیازهای خویش نیست. بنابراین، چاره‌ای جز زندگی اجتماعی ندارد. نیازهایی که بشر را به زندگی اجتماعی وامی‌دارد تنها نیازهای مادی و اقتصادی نیست، بلکه نیازهای روحی-روانی و فکری نیز نقش عظیمی دارند. از یک نگاه، نقش این عوامل کمتر از عامل اقتصادی و مادی نیست. برای نمونه، یکی از نیازهای بشر نیاز علمی است. میل به دانش و آگاهی، یکی از امیال فطری بشر است. شکوفایی، ارضا و بالندگی میل علمی بشر، تنها در سایه زندگی اجتماعی، روابط با دیگران و در گرو تعلیم و تربیت است. یکی دیگر از امیال فطری و روحی بشر میل به داشتن دوست و یار صمیمی است. انسان به‌طور فطری دوست دارد که در سایه روابط با دیگران، خود را از تنهایی رها کند به‌ویژه در مواقع رنج، درد و نگرانی، خواهان کسی است که با او درددل کند تا التیام‌بخش دردهایش باشد. بنابراین، عوامل مختلف مادی و روحی، انسان را به سمت‌وسوی زندگی اجتماعی سوق می‌دهد. در زندگی اجتماعی به‌صورت طبیعی روابطی شکل می‌گیرد مانند رابطه همسایه با همسایه، دانش‌آموز با معلم، دانشجو با استاد، دولت با ملت. طبیعی است که این‌گونه روابط اجتماعی، همیشه میان هم‌جنس (زن با زن، مرد با مرد) اتفاق نمی‌افتد. در بسیاری از این موارد، رابطه دو جنس مخالف (زن و مرد) نیز حتمی و قهری است. به‌طورقطع، رابطه دو جنس مخالف را در دایره روابط محارم با یکدیگر نیز نمی‌توان منحصر دانست؛ زیرا انواع روابط میان دو جنس مخالف درمیان اقوام و خویشاوندان، رفت‌وآمدهای فامیلی و نیز در سطح جامعه صورت می‌گیرد. توسعه شهرنشینی و گسترش مناسبات اجتماعی و اقتصادی موجب شده است که امروزه برخلاف گذشته، زن در عرصه جامعه حضور گسترده‌ای داشته باشد. این حضور در همه اماکن عمومی و خصوصی مانند کلاس درس و محل کار مشهود است و فقط محدود به داشتن رابطه با محارم نمی‌شود. ازاین‌رو، مسئله خلوت زن و مرد نامحرم از مسائل مورد ابتلاست که باید دیدگاه اسلام در این زمینه روشن شود. با عنایت به اینکه اسلام دین جامع، جهانی و پاسخ‌گوی نیازهاست و در آموزه‌های خود از مقتضیات زمانه نیز غافل نیست به‌طور حتم،

دیدگاه واقع‌بینانه و منصفانه‌ای در این موضوع مانند همه موضوعات دیگر دارد که برای نسل امروز باوجود اینکه سعادت‌آفرین است راهگشا و هدایتگر نیز است.

## ۲. روش تحقیق

پژوهش حاضر ازنظر ماهیت از نوع تحقیقات بنیادی است. اطلاعات و مواد اولیه تحقیق بنیادی به‌صورت نظری و به‌شیوه کتابخانه‌ای گردآوری می‌شود و سپس به‌روش‌های مختلف استدلال و تجزیه و تحلیل عقلانی و سپس نتیجه‌گیری می‌شود. باتوجه به راهبرد پژوهش، تحقیقاتی ازاین‌دست که از یک‌طرف با منابع و متون اسلامی سروکار دارند و ازطرف‌دیگر جنبه تطبیقی با تحقیقات جدید دارند روش تحقیق اسنادی محسوب می‌شوند که بااستفاده از شیوه توصیفی-تحلیلی، متون دینی و منابع روان‌شناختی در فضای کتابخانه‌ای بررسی می‌شوند. از این شیوه گاه به‌روش تحلیل متن[۱] نیز یاد می‌شود. رویکرد حاکم بر روش توصیفی-تحلیلی در متون دینی، رویکرد اجتهادی است و آن عبارت است از: کوشش علمی براساس منابع معتبر (قرآن، احادیث و عقل قطعی) به‌واسطه ابزار و عناصر لازم برای تفهم، اکتشاف و استخراج مطلق آموزه‌های دینی به‌گونه‌ای‌که اعتبار (حجیت، منجزیت و معذریت) داشته باشد. فرایند اجتهاد درصورت برخورداری مجتهد از آمادگی‌های لازم با موضوع‌شناسی شروع شده و با مراجعه به منابع و ادله کشف حکم مانند آیات و روایات و کشف تعارض یا تداخل آنها مشخص شود و سپس مراد جدی شارع را درصورت یک قیاس منطقی سامان بدهد و استنتاج را عرضه کند.

## ۳. مفهوم‌شناسی

### ۳-۱. نامحرم

نامحرم به هرکسی گفته می‌شود که ارتباط نسبی (خونی)، سببی (عقد شرعی) یا رضاعی (از راه شیر دادن) با او ایجاد نشده و نگاه به او محدود شده باشد. (موسوی خمینی، ۱۳۶۳، ۲۶۲/۲؛

۱. Textual Interpretation.

بنی هاشـمی خمینی و اصـولی، ۱۳۹۴، ۲۳۸۰ – ۲۳۸۶) درنتیجه مواردی مانند همسـر برادر، فرزندان عمو، نامزد قبل از عقد و مانند آنها نامحرم بوده و حکم خلوت با ایشـان مورد بحث است.

**۳-۲. خلوت**

خلوت در لغت از خلاالمکان گرفته شده و به‌معنای جایی است که در آن کسی یا چیزی نباشد (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ۲۳۷/۱۴) چه طرف مقابل یک‌نفر باشـد یا جمعی باشـند مانند خلوت با اجتماع نامطلوب. قرآن کریم می‌فرماید: «وَإِذَا خَلَوْاْ إِلَى شَـياطِينِهِمْ» (بقره: ۱۴). در اینجا خلوت فرد با شـیاطین با مانعی ازطرف مؤمنین مواجه نیسـت. در اصـطلاح فقه، خلوت به‌معنای تنهاشدن مرد با همسرش است به‌طوری‌که مانعی از نزدیکی نباشد چه مانع عقلی مانند حضور یک فرد، چه شرعی مانند حائض بودن یا حضور در مسجد و... (ابوجیب، ۱۴۰۸، ص۱۲۲). منظور از خلوت در این موضـوع، خلوت با نامحرم اسـت به‌طوری‌که مانعی برای نزدیکی یا فعل حرام نباشـد مانند اینکه درها را قفل کنند یا پرده بیاندازند یا جایی‌که کسـی حضـور ندارد تا آنها را از فعل حرام بازدارد (عاملی، ۱۴۱۳، ص۸۱). فقها بر این تعریف نکاتی مطرح کرده‌اند که محدوده خلوت را به‌شکل بهتری تبیین می‌کند:

-حکم خلوت در تمام مواردی که دسترسی، حضور یا نظارت دیگران ممکن نباشد، جاری اسـت مانند اینکه افراد در منزل شـخصـی جمع شـوند و درها نیز بسـته باشـد یا منزل یا محل مسکونی یا اداری، حمام یا دستشویی داشته باشد[1] (که باعث ایجاد خلوت می شود)، اتاقی که با پرده و مانند آن، دو قسـمت شـده اسـت، منطقه‌ای دورافتاده یا دور از منظر عمومی باشـد یا شکل ساختمان به‌گونه‌ای باشد که باعث خلوت می شود مثل راهروها، آسانسور و مانند آن نیز

۱. شهید ثانی می‌نویسد: «فلو کانت مرافق حجرتها -کالمطبخ و المستراح و البئر و المرقی الی السطح- متحده في الدار لم یجز بدون الثالث، لأن التوارد علی المرافق یفضي الی الخلوه».

شـامل حکم خلوت می‌شـوند (شـهیدثانی، ۱۴۱۳، ۳۲۵/۹؛ سـیفی‌مازندرانی، ۱۴۱۷، ص۱۷۹؛ نجفی، ۱۴۰۴، ۳۴۴/۳۲)؛

- جمعی از علما قائل هسـتند که باوجود فرد سـوم، احکام حرمت خلوت برداشـته می‌شـود. فرد سوم می‌تواند مَحرَم یکی از آن‌دو و یا زن، مرد و یا حتی کودک ممیزی باشد که حضور چنین فردی آنها را از ارتکاب حرام بازدارد. (شهیدثانی، ۱۴۱۳، ۳۲۵/۹) به‌نظر می‌رسد این فرع از روایتی که در کافی در باب زن و شـوهر مُحرِم که مجاز به نزدیکی نیسـتند برداشـت شـده اسـت (کلینی، ۱۴۱۴، ۳۷۳/۴). بیشـتر فقها به‌ویژه متأخرین بر لزوم همراه داشـتن فرد سـوم و بازدارنده بودن او برای پرهیز از خلوت تشکیک کرده‌اند (نجفی، ۱۴۰۴، ۳۴۴/۳۲؛ سیفی‌مازندرانی، ۱۴۱۷، ص۱۸۱)؛

- برخی معتقدند که خلوت یک زن با چند مرد نیز ملحق به حکم خلوت اسـت برخلاف خلوت چند زن با یک مرد؛ زیرا حیای زن از مرد بیشتر است، ولی بیشتر فقها بر این نظر اشکال گرفته‌اند[1] و حکم خلوت را محدود به تعداد ندانسته‌اند (سیدبحرانی، ۱۴۲۹، ۲۸۷/۱)؛

- چنانچه هردو یا یکی از آنها علم به وقوع حرام ندارند به‌نظر بیشـر علما خلوت مذکور مشـکلی ندارد هرچند برخی از فقها مانند علامه حلی در قواعد و شـهیدثانی در مسـالک، به‌طور مطلق حکم به حرمت چنین خلوتی دادند؛ زیرا خلوت را علت و سبب وقوع در حرام دانسته‌اند (سیفی‌مازندرانی، ۱۴۱۷، ص۱۷۹)؛

- جایی که زن یا مرد و یا هردو قطع به وقوع در حرام دارند از باب مقدمه یا مقدمه قریبه حرام یا قاعده حرمت ریبه، خلوت مذکور حرام اسـت و نیاز به اسـتدلال به آیه و روایت در مورد خلوت ندارد چه وقوع در حرام، حکمت یا علت حکم باشد درنتیجه از موضوع بحث خارج است (سیدبحرانی، ۱۴۲۹، ۲۸۷/۱؛ خویی، ۱۴۱۳، ۲۱۸/۱)؛

۱. سیدبحرانی می‌نویسد: «و ألحق بعضهم بخلوة الرجل بالمرأة خلوة الاثنین فصاعداً بها دون خلوة الواحد بنسوة و فرّقوا بین الأمرین، بأن استحیاء المرأة من المرأة أکثر من استحیاء الرجل من الرجل، و لا یخلو ذلك من نظر».

-چنانچه فقیهی قائل به کراهت شـود هرچه حضـور و نظارت بازدارنده دیگران کمتر باشـد کراهت شدیدتر می‌شود و در موارد وقوع در حرام، پیشگیری از حرام و دور شدن از چنین محلی باید با اهتمام بیشتری صورت بگیرد (سیدبحرانی، ۱۴۲۹، ۲۸۷/۱)؛

-باتوجه به شرایط فوق جایی‌که حضور یا نظارت بازدارنده دیگران وجود دارد مانند کوچه‌ها و محل کار که محل آمدوشد است خلوت صدق نمی‌کند و از محل بحث بیرون است.



مناسـب‌ترین تعریف از خلوت و آنچه تحقیق حاضـر از خلوت اراده می‌کند عبارت اسـت از: «خلوت یک یا چند زن و مرد نامحرم با دیگری در مکانی‌که حضـور یا نظارت بازدارنده دیگران وجود ندارد و فرد یا افراد از ارتکاب به حرام ترسی نداشته باشند».



### ۳-۳. علت یا حکمت

از نوشتار برخی فقها مانند شهیدثانی برداشت می‌شود که خلوت زن و مرد را علت وقوع در حرام می‌دانند. ازاین‌رو، این مسـئله را حرام دانسـته‌اند[۱]. (شـهیدثانی، ۱۴۱۵، ۷۲/۱۲) محقق ثانی و علامه حلی خلوت را از مصادیق وقوع در مفسده و موضع تهمت دانسته[۲] و به این روایت استناد کرده‌اند: «أتت الخثعمية الى النبی ﷺ بمنی فی حجة الوداع لنسـتفتيه فی الحج، و كان الفضـل بن العباس رديف رسول الله ﷺ فأخذ ينظر إليها و تنظر إليه، فصرف النبی ﷺ وجه الفضل عنها، و قال رجل شاب و امرأة شابة فخشيت أن يدخل بينهما الشيطان» (محقق‌ثانی، ۱۴۱۴، ۳۹/۱۲؛ علامه‌حلی، ۱۳۸۸، ص۵۷۳). از اسـتدلال ایشـان به این روایت برداشـت می‌شـود که این گروه از فقها صـرف حضـور زن و مرد نامحرم در مکان خلوت را علت برای وقوع در مفسـده می‌دانند چنان‌که روی برگرداندن پیامبر ﷺ همراه با تعلیلی که حضـرت آورده اسـت برای جلوگیری از

---

۱. «المعتبر في التحريم إسكارُ كثيره فيحرم قليله حسماً لمادّة الفساد، كما حرم الخلوة بالأجنبيّة لإفضائها إليه».

۲. «و قال العلامه فی التذكره في وجه حرمة النظر إلى الأجنبية: «لأنّ النظر اليهن مظنّة الفتنة، و هي محل الشهوة فاللّائق بمحاسن الشرع حسم الباب و الاعراض عن تفاصيل الأحوال، كالخلوة بالأجنبية».

وقوع در مفسـده بود. درنتیجه این خلوت ازنظر شـرع جایز نیسـت. درمقابل، جواب دادند: «صـرف خلوت زن و مرد نامحرم موجب وقوع در مفسـده نیسـت. هر خلوتی منجر به فعل حرام نمی‌شـود و خلوت علیتی برای این امر نـدارد. علاوه‌بر اینکـه حرمـت وقوع در مفسـده یـا شهوت‌انگیز بودن[1] شاید به این‌دلیل باشد که از مقدمات (تامه) زناست. درنتیجه صرف خلوت نمی‌تواند موضـوع حرمت باشـد» (روحانی، ۱۴۱۵، ۲۱۲/۱۴). حدیث نبوی فوق نیز از منابع اهل سـنت اسـت. همچنین اگر این امر حرام می‌بود پیامبرﷺ از ابتدای امر آنها را از نگاه کردن به یکدیگر بازمی‌داشت.

برخی دیگر از قائلین به حرمت خلوت باتوجه به قیاس اولویت و برداشـت از فحوای کلام روایاتی مانند حرمت نگاه به نامحرم، خلوت با نامحرم و... ملاک حکم را تهییج شهوت می‌دانند و هرجا این ملاک باشد علیت ثابت شده و موجب حکم به حرمت می‌شود. (یزدی، ۱۴۲۱، ۱۷/۱؛ تویسـرکانی، ۱۴۱۸، ص۲۴) در جواب گفته شـده اسـت که حکم خلوت نظر تعبدی اسـت و نمی‌توان از راه تحصـیل ملاک حکم کرد؛ زیرا تنها در عبادات محض، ملاک وجود دارد و در غیر آنها مانند اینجا، راهی برای تحصیل ملاک نیسـت (منتظری، ۱۴۱۵، ۵۲۹/۲). بیان شـهوت‌انگیز بودن این امور و اینکه شیطان درکمین است از باب بیان حکمت است نه بیان علت (روحانی، ۱۴۱۵، ۲۱۳/۱۴).

## ۴. بررسی روایات حرمت خلوت

### ۴ـ۱. گروه اول

«رُوِی عَنْ مُحَمَّدٍ الطَّیارِ قَالَ دَخَلْتُ الْمَدِینَةَ وَ طَلَبْتُ بَیتاً أَتَکَارَاهُ فَدَخَلْتُ دَاراً فِیهَا بَیتَانِ بَینَهُمَا بَابٌ وَ فِیهِ امْرَأَةٌ فَقَالَتْ تُکَارِی هَذَا الْبَیتَ قُلْتُ بَینَهُمَا بَابٌ وَ أَنَا شَـابٌّ قَالَتْ أَنَا أُغْلِقُ الْبَابَ بَینِی وَ بَینَکَ فَحَوَّلْتُ مَتَاعِی فِیهِ وَ قُلْتُ لَهَا أَغْلِقِی الْبَابَ فَقَالَتْ تَدْخُلُ عَلَی مِنْهُ الرَّوْحُ دَعْهُ فَقُلْتُ لَا أَنَا

۱. تهییج القوة الشهویة

شَـابٌّ وَ أَنْتِ شَـابَّةٌ أَغْلِقِيهِ قَالَتِ اقْعُدْ أَنْتَ فِی بَیتِكَ فَلَسْـتُ آتِیكَ وَ لَا أَقْرَبُكَ وَ أَبَتْ أَنْ تُغْلِقَهُ فَأَتَیتُ أَبَاعَبْدِاللَّهِ علیه‌السلام فَسَـأَلْتُهُ عَنْ ذَلِكَ فَقَالَ تَحَوَّلْ مِنْهُ فَإِنَّ الرَّجُلَ وَ الْمَرْأَةَ إِذَا خُلِّیا فِی بَیتٍ كَانَ ثَالِثُهُمَا الشَّیطَان؛ محمد طیار گوید: وارد مدینه شدم و منزلی می‌طلبیدم تا اجاره کنم. به خانه‌ای وارد شدم که دارای دو اتاق بود و دری میان آن‌دو قرار داشت و در یکی از آنها زنی زندگی می‌کرد. آن زن به من گفت: این اتاق را اجاره کن، گفتم: این‌دو اتاق به‌هم راه دارد و من جوان هستم تو نیز جوانی و صلاح نیست، گفت: تو اجاره کن من در را می‌بندم، من پذیرفتم و متاعم را به آنجا بردم و بدو گفتم: در را ببند، گفت: از اینجا نسیم می‌آید، بگذار باز باشد. گفتم: من و تو هردو جوان هستیم در را ببند. گفت: تو در اتاقت بنشین و من در اتاق خود، نزد تو نمی‌آیم و به تو نزدیك نمی‌شوم و از بستن در سر باز زد. من خدمت امام صادق علیه‌السلام رسیدم و ماجرا را عرض کردم و پرسیدم می‌توانم آنجا بمانم. فرمود: از آنجا به جای دیگر برو؛ زیرا هیچ مرد و زنی در مکانی خلوت نکنند مگر آنکه شیطان سومی آنها باشد». (صدوق، ۱۴۱۳، ۲۵۲/۳)





-دلالت روایت بر مطلب: امام علیه‌السلام در مورد این محل که فرد دیگری نمی‌تواند بر مکان شخصی اجاره شده وارد شود امر به خروج می‌دهد. هرچند این مطلب موضوعی شخصیه است، ولی امام علیه‌السلام باتوجه به خصوصیت معینی در این داستان، امر به خروج می‌دهد که این خصوصیت (یعنی، خلوت با نامحرم) قابل برداشت است. همچنین امام علیه‌السلام از این امر تعلیل می‌آورد به اینکه خلوت این‌چنینی موجب حضور شیطان است و از این تعلیل سه نکته برداشت می‌شود: الف) مورد روایت مخصص نیست و خلوت اینچنینی حرام است؛ ب) تعبیر به: «خلوه الرجل و المرأه» نشان می‌دهد این حکم اختصاص به جوانان ندارد؛ ج) امام علیه‌السلام هر خلوتی به این صورت را همراه با شیطان دانسته که نشان می‌دهد این خلوت‌ها همراه با وقوع حرام هستند. بنابراین، موضوع حرمت را بر خلوت برده است؛ یعنی با تحقق خلوت، حرمت فعلیت می‌یابد. درنتیجه خوف از وقوع در فساد ازقبیل حکمت برای حکم است نه اینکه علت برای آن باشد.

هرچند این روایت از کتاب من لایحضره الفقیه از کتب چهارگانه معتبر نزد شیعه مطرح شده است، اما ازنظر سندی، سلسله راویان آن حذف شده‌اند. به‌همین‌دلیل جزو روایات ضعیفه است. (سیفی‌مازندرانی، ۱۴۱۷، ص۱۸۴)

**۴– ۲. گروه دوم**

«أَخَذَ رَسُولُ‌اللهﷺ عَلَى النِّسَاءِ أَنْ لا ينحْنَ وَ لا يخْمَشْنَ وَ لا يقْعُدْنَ مَع الرِّجالِ فی الخَلاءِ». (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۱۸۶/۲۰) در این روایات، حضرت از تنها بودن زن با مرد نامحرم نهی می‌کند و اگر کسی اشکال کند که برخی از فقرات این روایت نهی تحریمی نیستند؛ زیرا سیره قطعیه، عدم حرمت آنها را می‌رساند، گفته می‌شود اینکه برخی از قسمت‌های روایت بر نهی مولوی دلالت ندارند، دلیل بر مولوی نبودن قسمت‌های دیگر نمی‌شود (سیفی‌مازندرانی، ۱۴۱۷، ص۱۸۶)، اما بر این استدلال اشکال شده به اینکه: الف) الخلاء در روایت یعنی، دستشویی و این روایات اشاره به سنت جاهلی دارد که زنان با مردان برای قضای حاجت مکان واحدی را به‌نام بیت الخلاء تدارک می‌دیدند و رسول اکرمﷺ بر آنها بیعت گرفتند که این کار را ترک کنند. شاهد بر این مطلب استفاده از عبارت: «لا يقْعُدْنَ» در کلام حضرت است. شاهد دیگر اینکه در این روایت خلوت را به‌شکل مطلق حرام کرده که شامل محارم و غیرمحارم می‌شود درحالی‌که خلوت با محارم اشکالی ندارد. درنتیجه روایت ناظر به موضوع این تحقیق نیست؛ ب) این گروه از روایات ازنظر سندی ضعیف هستند و حتی کسانی‌که به این روایات استدلال کرده‌اند نیز به این مطلب اقرار دارند» (خویی، ۱۴۱۳، ۲۱۷/۱؛ روحانی، ۱۴۱۵، ۲۱۳/۱۴).

**۴-۳. گروه سوم**

شیخ حرعاملی در باب: «عَدَمِ جَوَازِ خَلْوَةِ الرَّجُلِ بِالْمَرْأَةِ الْأَجْنَبِيةِ وَ احْتِبَاءِ الْمَرْأَة» به این روایات استدلال کرده بر اینکه خلوت زن و مرد نامحرم جایز نیست. «مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ فِی الْمَجَالِسِ وَ الْأَخْبَارِ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ عَلِی بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ خَالِهِ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ قُولَوَيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَلَفٍ عَنْ مُوسَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ علیه‌السلام عَنْ آبَائِهِ علیهم‌السلام عَنْ

رَسُولِ‌اللَّهِ ﷺ قَالَ: مَنْ كانَ يؤْمِنُ بِاللهِ وَ الْيوْمِ الآخِرِ فَلا يبِتْ فی مَوْضِعٍ يسْمَعُ نَفَسَ امْرَأَةٍ لَيسَتْ لَهُ بِمَحْرَمٍ». (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۱۸۵/۲۰) در روایت امالی طوسی به‌جای «یبیت» عبارت «یلبث» آمده است. در این روایت از اینکه مرد، شب در اتاقی باشد که صدای نفس زن را بشنود نهی شده است. رابطه این روایت با موضوع این تحقیق یعنی، خلوت با نامحرم به‌شکلی که کسی نتواند بر آنها وارد شود رابطه عام و خاص من‌وجه است. درنتیجه روایت ناظر بر این موضوع نیست. نهی در این روایت ممکن است ناظر به مقدمه شدن این امر برای زنا باشد (خویی، ۱۴۱۳، ۲۱۸/۱).





**۴ – ۴. گروه چهارم**

از این گروه از روایات برداشت می‌شود که خلوت با نامحرم همراهی شیطان را به‌دنبال دارد که به‌معنی وقوع در حرام است. درنتیجه این امر حرام است. «قالَ إِبلِيسُ أُوصِيكَ بِثَلَاثِ خِصَالٍ يا مُوسَى لَا تَخْلُ بِامْرَأَةٍ وَ لَا تَخْلُ بِكَ فَإِنَّهُ لَا يخْلُو رَجُلٌ بِامْرَأَةٍ وَ لَا تَخْلُو بِهِ إِلَّا كُنْتُ صَاحِبَهُ دُونَ أَصْحَابِی» (مفید، ۱۴۱۳، ص۱۵۷). «قَالَ أَخْبَرَنِی أَبُو الْحَسَنِ عَلِی بْنُ خَالِدٍ الْمَرَاغِی قَالَ حَدَّثَنَا ثُوَابَةُ بْنُ يزِيدَ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَلِی بْنِ الْمُثَنَّى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُثَنَّى عَنْ شَبَابَةَ بْنِ سَوَّارٍ قَالَ حَدَّثَنِی الْمُبَارَكُ بْنُ سَعِيدٍ عَنْ خَلِيلٍ الْفَرَّاءِ عَنْ أَبِی الْمُجَبِّرِ قَالَ قَالَ رَسُولُ‌اللَّهِ ﷺ أَرْبَعٌ مَفْسَدَةٌ لِلْقُلُوبِ الْخَلْوَةُ بِالنِّسَاءِ وَ الِاسْتِمَاعُ مِنْهُنَّ وَ الْأَخْذُ بِرَأْيِهِنَّ وَ» (مفید، ۱۴۱۳، ص۳۱۵). این‌دسته از روایات نیز ظهور در حرمت خلوت با نامحرم ندارند؛ زیرا از اینها برداشت می‌شود کسی‌که با زن نامحرم خلوت کند از زنا و شیطان مصون نخواهد بود و این ملازم با حرمت خلوت زن و مرد نامحرم نیست، بلکه امور دیگری نیز موجب زنا می‌شوند. اگر ملاک همین باشد باید همه آنها حرام می‌بودند که چنین نیست (روحانی، ۱۴۱۲، ۲۱۳/۱۴).

**۴ – ۵. گروه پنجم**

روایات باب: «تَحْرِيمِ خَلْوَةِ الرَّجُلِ بِالْمَرْأَةِ الْأَجْنَبِيةِ تَحْتَ لِحَافٍ وَاحِدٍ أَوْ بَيتٍ وَاحِدٍ». استدلال به مجموع روایات: «هرچند در این موضوع سند روایات ضعیف هستند و دلالت آنها بر مطلب

ناقص است، ولی نمی‌توان از آنها باتوجه به تعداد زیاد آنها و تأکیدی که در آنهاست چشم‌پوشی کرد. از مجموع آنها می‌توان گفت به‌احتیاط واجب باید از چنین خلوتی پرهیز کرد» (سیفی‌مازندرانی، ۱۴۱۷، ص۱۸۶). برخی محققین از تک‌تک روایات بحث نکرده‌اند، بلکه درنهایت و به شکل مختصر گفته‌اند: «علاوه‌بر ضعف سند این روایات، دلالت آنها بر مطلوب نیز ضعیف است؛ زیرا نهی در این روایات ارشاد به محافظت از وقوع حرام‌هایی مانند زناست و دلالتی بر حرمت مولوی خلوت با زن نامحرم ندارند، بلکه از آنها کراهت این امر برداشت می‌شود» (نجفی، ۱۴۰۴، ۳۴۴/۳۲؛ خوانساری، ۱۳۵۵، ۴۵/۷). باتوجه به ضعف سند یا دلالت، فقها این موضوع را در جایگاه خود یعنی، در بحث نکاح نیاورده‌اند، بلکه این موضوع در مسکن زن در زمان عده طلاق رجعیه آمده است» (نجفی، ۱۴۰۴، ۳۴۴/۳۲).

### ۵. ادله عدم حرمت خلوت

آیات و روایات درباره خلوت بین نامحرم که موضوع شایعی بوده است، ساکت نبوده‌اند. براساس این دسته از مستندات رابطه‌ای که همراه با امر حرامی نباشد، مجاز است مانند آیه: «وَ لا جُناحَ عَلَیکُمْ فیما عَرَّضْتُمْ بِهِ مِنْ خِطْبَةِ النِّساءِ أَوْ أَکْنَنْتُمْ فی أَنْفُسِکُمْ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّکُمْ سَتَذْکُرُونَهُنَّ وَ لکِنْ لا تُواعِدُوهُنَّ سِرًّا إِلاَّ أَنْ تَقُولُوا قَوْلاً مَعْرُوفاً وَ لا تَعْزِمُوا عُقْدَةَ النِّکاحِ حَتَّی یبْلُغَ الْکِتابُ أَجَلَه؛ و گناهی بر شما نیست که با کنایه به خواستگاری آن زنان روید و یا نیت ازدواج با آنها را در دل بگذرانید. خدا می‌داند که شما یادشان خواهید کرد، ولی با آنها در خلوت قرار ملاقات نگذارید، مگر آنکه حرفی شایسته بزنید و تا عده آنها به‌پایان نرسیده عزم بر ازدواج با آنها ننمایید» (بقره: ۲۳۵). صاحب جواهر این آیه را به دوصورت معنا می‌کند: اول اینکه، مقصود از سر، همان الفاظ مستهجنه است و سر به‌معنای جماع اطلاق شده است و قول معروف، قولی است که مشتمل بر این محرمات نباشد. با این معنا استثنای منقطع خواهد بود و کلمه «الّا» در آن به‌معنای «لکن» می‌شود.

معنای دوم این است که مراد از سر، خلوت باشد و قرآن می‌فرماید: «وعده خلوت کردن با زن ممنوع است مگر اینکه این وعده خلوت کردن برای صحبت‌های پسندیده و بدون قصد التذاذ باشد و با قول معروف باشد. در این‌صورت جایز است و با این معنا، استثنای متصل می‌شود». (شبیری‌زنجانی، ۱۴۱۹، ۵۸۹۲/۱۸) هرچند این آیه دلالت بر جواز صحبت معروف با زن بیگانه را دارد، ولی در موضوع این تحقیق، منظور خلوت به‌شکلی است که کسی نتواند بر آنها وارد شود را شامل نمی‌شود. درنتیجه آیه از محل بحث بیرون است.





**۵ – ۱. ادله روایی**

فقها به‌دلیل وجود روایات جواز صحبت غیرحرام با زن در ایام حج و غیر آن، حکم به جواز این امر داده‌اند. (نجفی، ۱۴۰۴، ۳۴۴/۳۲؛ روحانی، ۱۴۱۲، ۲۱۴/۱۴) در برخی از این روایات در بیان وجه جواز خلوت آمده است: «المؤمن ولی المؤمنة» مانند صحیحه صفوان الجمّال قال: «قُلْتُ لِأَبی عَبْدِالله علیه‌السلام: قَدْ عَرَفْتنی بِعَمَلی تأتینی الْمَرْأَةُ أَعْرِفُها بِإسلامِها وَ حُبِّها إیاکُمْ وَ وَلَایتِها لَکُمْ، لَیسَ لَها مَحْرَمٌ قال: إذا جاءَتِ الْمَرْأَةُ المُسْلِمَةُ فاحمِلْها فإنَّ الْمُؤْمِنُ مَحْرَمُ الْمُؤْمِنَةِ ثُمَّ تَلی هذِهِ الآیة وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِناتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِیاءُ بَعْضٍ» (صدوق، ۱۴۱۳، ۴۳۹/۲؛ حرعاملی، ۱۴۰۹، ۱۵۳/۱۱). «معتبرة أبی بصیر عن أبی‌عبدالله علیه‌السلام قال: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَرْأَةِ تَحُجُّ بِغَیرِ وَلِیها، فَقالَ: إنْ کانَتْ مَأْمُونَةً تَحُجُّ مَعَ أَخیها الْمُسْلِمِ». صحیحه عبدالرحمن بن الحجاج عن ابی‌عبدالله علیه‌السلام: «قالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَرْأَةِ تَحُجُّ بِغَیرِ مَحْرَمٍ. فقال علیه‌السلام: إذا کانَتْ مَأْمُونَةً وَ لَمْ تَقْدِر عَلی مَحْرَمٍ فَلا بَأْسَ بِذلِكَ» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۱۵۴/۱۱).

اشکال: اطلاق این روایات شامل به‌جای آوردن حج همراه با گروه و همچنین فرض خلوت نیز می‌شود، اما با گروه مؤمنین صورت می‌گیرد به‌ویژه در زمان سابق که مسافرت‌ها گروهی بود. درنتیجه نمی‌توان به اطلاق این روایات تمسک کرد. علاوه‌براین، در مسافرت حج خلوت به‌معنای اصطلاحی فوق که کسی نتواند بر آنها وارد شود روی نمی‌داده؛ زیرا درمنظر مردم بوده است. (سیفی‌مازندرانی، ۱۴۱۷، ص۱۸۲) عبارت: «فإنَّ الْمُؤْمِنَ مَحْرَمُ الْمُؤْمِنَةِ» در روایت اول

به‌معنای محرم فقهی نیست؛ زیرا خلاف ظاهر قرآن و ضروری دین است، بلکه به‌معنای اعتماد و ایمان به مؤمن است؛ زیرا مؤمن خیانت نمی‌کند. هرچند در روایات اجازه مسافرت تنهایی به زن داده شده است، اما در این روایات قید شده که زن با گروه مؤمنین سفر می‌کند: «موثقة معاویة بن عمار قال سَأَلْتُ أباعَبْدِالله علیه‌السلام عَنِ الْمَرْأَةِ تَحُجُّ إلی مَکة بِغَیرِ وَلی. فقال علیه‌السلام: لا بَأسَ تَخْرُجُ مَعَ قَوْمٍ ثقاتٍ». «معتبره‌الحسن بن علوان عن جعفر بن محمد عن أبیه علیه‌السلام أَنَّ عَلیاً علیه‌السلام کانَ یقُول: لا بَأْسَ أَنْ تَحُجَ الْمَرْأَةُ الصَّرورَةُ مَعَ قَوْمٍ صالحینَ إذا لَمْ یکُنْ لَها مَحْرَمٌ وَ لا زَوْجٌ» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۱۵۴/۱۱).

**۵– ۲. شهرت فتوایی**

صاحب جواهر می‌فرماید: «حکم به حرمت خلوت با زن نامحرم شهرت فتوایی ندارد». علامه مجلسی نیز ادعای عدم شهرت دارد (روحانی، ۱۴۱۲، ۲۱۳/۱۴). برخی ادعای شهرت فتوایی دارند بر اینکه خلوت زن و مرد نامحرم حرام است مانند شهیدثانی در مسالک (سیفی‌مازندرانی، ۱۴۱۷، ص۱۸۳).

**۵ – ۳. سیره متشرعه**

صاحب جواهر می‌نویسد: «خلوت با نامحرم، زیاد اتفاق می‌افتد و جزو سیره قطعیه است که مؤمنین به یکدیگر اعتماد دارند[1]» (نجفی، ۱۴۰۴، ۳۴۵/۳۲)، اما جواب داده شده است به اینکه: «اگر این سیره بر حرمت خلوت بین زن و مرد نامحرم استقرار نیافته است دست‌کم بر جواز خلوت نیز استقرار نیافته است و نمی‌توان حکم به حلیت این موضوع داد» (سیفی‌مازندرانی، ۱۴۱۷، ص۱۸۳).

۱. أمثال هذه الدعاوي لا تورث الفقيه الماهر ظنا بمثل هذا الحكم العام البلوى الذي تنافيه السيرة القطعية، بل و جملة من النصوص الدالة على صحبة غير المحرم في طريق الحج و غيره، لأن المؤمن ولي المؤمنة و غير ذلك، و الله العالم.

## ۶. نظر مراجع شیعه پیرامون حکم انواع خلوت با نامحرم

### ۶ـ۱. قائلین به کراهت و نه حرمت خلوت

این گروه از فقها باتوجه به تمام نبودن ادله حرمت خلوت، علت نبودن خلوت برای فعل حرام، مستقر نبودن سیره متشرعه قائل به کراهت وقوع خلوت هستند. آیات عظام خویی، شبیری‌زنجانی، سیستانی، تبریزی و فاضل: «اگر کسی نمی‌تواند وارد آن مکان شود درصورتی‌که احتمال فساد برود، ماندنشان در آنجا حرام است، ولی اگر طوری باشد که کس دیگر بتواند وارد شود یا بچه‌ای که خوب و بد را می‌فهمد در آنجا باشد یا احتمال فساد نرود، اشکال ندارد». (بنی هاشمی خمینی و اصولی، ۱۳۹۴،م ۲۴۴۵) آیات عظام امام، خامنه‌ای و نوری: «اگر کسی نمی‌تواند وارد آن مکان شود و آنان بترسند که به حرام بیفتند ماندنشان در آنجا حرام است» (بنی هاشمی خمینی و اصولی، ۱۳۹۴، م ۲۴۴۵) آیات عظام بهجت، سیستانی و وحید: «اگر احتمال فساد برود، ماندن آنها در آنجا حرام است، هرچند طوری باشد که کس دیگر بتواند وارد شود» (بنی هاشمی خمینی و اصولی، ۱۳۹۴، م۲۴۴۵).

علمای گذشته نیز برخی قائل به کراهت هستند مانند آیات عظام نجفی (۱۴۰۴، ۳۴۴/۳۲)، خویی (۱۴۱۳، ۲۱۸/۱)، سیدبحرانی (۱۴۲۹، ۲۸۷/۱) و مانند ایشان. به‌نظر این مراجع، هرجا که خلوت صدق کند یعنی، یک یا چند زن و مرد نامحرم در مکانی باشند که در حضور یا نظارت کسی نیست درصورتی حرام است که احتمال یا خوف حرام و فساد داشته باشد. درنتیجه خلوت درنظر ایشان حرام نیست، بلکه به‌واسطه روایات ناهیه، تنها کراهت دارند. آنچه موجب شکل‌گیری حرمت می‌شود موضوع دیگری است مانند اینکه این خلوت باعث نگاه، کلام یا لمس حرام شود یا ضرر شخصی به‌دنبال داشته باشد مانند متهم شدن، ضرر مالی یا فشار روانی و... که موجب حرمت چنین خلوتی می‌شود. مکان‌هایی مانند منزل شخصی، منازل یا هتل‌هایی که آشپزخانه، حمام و دستشویی مشترک دارند و باعث خلوت می‌شوند، محل کاری که خلوت صدق می‌کند، وسایل نقلیه که شکل خصوصی می‌گیرند، آسانسور، جنگل و صحرای دورافتاده، راهروهای خلوت و مانند اینها همگی این حکم را دارند. مکان‌هایی که عمومی

به‌حساب می‌آیند مانند محل کار، مطب، وسایل نقلیه عمومی، کوچه ها و مانند اینها که درمنظر عموم مردم هستند یا احتمال آمدوشد یا نظارت بازدارنده مردم در آنجا می‌رود مکان‌های عمومی هستند و به‌نظر همه فقها حضور در چنین مکان‌هایی حرمت یا کراهت ندارد مگر اینکه حکم عمومی فساد، ریبه یا حرام از عنوان دیگری در آنها شکل بگیرد (بنی هاشمی خمینی و اصولی، ۱۳۹۴، م۲۴۴۵)

**۶– ۲. قائلین به حرمت یا احتیاط واجب**

این‌دسته از فقها باتوجه به روایات ناهیه، علت بودن خلوت برای حرمت، سیره متشرعه و موضع تهمت بودن حکم به حرمت خلوت می‌دهند و مشغول شدن به هرگونه عبادتی را نیز موجب برطرف شدن حرمت نمی‌دانند. آیت‌الله صافی: «اگر کسی نمی‌تواند وارد آن مکان شود مانند اینکه درب اتاق بسته باشد که به‌طور متعارف امکان ورود برای شخص ثالث نباشد، ماندن آنان در آنجا حرام است، هرچند احتمال فساد ندهند یا به گفت‌وگوهای علمی و ضروری مانند آن بپردازند». آیت‌الله مکارم می‌نویسد: «اگر کسی نمی‌تواند وارد آن مکان شود، بنابر احتیاط واجب ماندن آنان در آنجا حرام است، هرچند احتمال فساد ندهند و به گفت‌وگوهای علمی و ضروری و مانند آن بپردازند» (بنی هاشمی خمینی و اصولی، ۱۳۹۴، م۲۴۴۵). آیت‌الله مکارم آسانسور را از مصادیق خلوت نمی‌داند (مکارم شیرازی،۱۴۲۷، ۲۵۴/۲). برخی از علمای گذشته نیز خلوت را به‌طور مطلق چه احتمال و ترس از حرام بدهند یا ندهند حرام دانستند مانند شهید ثانی (۱۴۱۳، ۳۲۴/۹)، علامه‌حلی،( ۱۳۸۸، ص۵۷۳). برخی دیگر از فقها صرف حضور زن و مرد در مکان خلوت را حرام دانسته مگر اینکه ضرورت، آنها را مجبور کند مانند نیاز به مراجعه به پزشک، نیاز به وسیله نقلیه، آسانسور و مانند آن.

**۷. دیدگاه و روایات اهل سنت در موضوع خلوت با نامحرم**

در منابع اهل سنت خلوت یک زن نامحرم با یک مرد نامحرم به‌اتفاق، به‌طور مطلق حرام است چه ترس از فتنه داشته باشند یا بر خود مطمئن باشند، چه عادل و موثق باشند یا نه. شواهد

زیر از منابع اهل سـنت در حرمت خلوت مذکور با نامحرم صـراحت دارند و برای بیرون آمدن از حرمت، خروج از مکان یا حضـور فرد مورد اعتماد ضـروری اسـت. ازاین‌رو، بر حرمت خلوت با نامحرم نزد اهل سنت اجماع است. (ابن‌قیم جوزی، ۱۴۱۱، ۳۳۸/۴؛ الشربینی، ۱۴۲۵، ۱۲۱/۲) در این منابع با استدلال قیاس به حرمت زنا و نگاه حرام، حرمت مقدمات وقوع در حرام و خلوت با نامحرم نیز حرمت پیدا می‌کنند.





**۷ـ۱. مهمترین ادله حرمت خلوت با نامحرم**

«وَلَا تَقْرَبُوا الزِّنَا إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَ سَاءَ سَبِيلاً؛ وقتی امری حرام شد طرق رسیدن به آن هم حرام اسـت. خلوت یکی از مصـادیق نزدیکی و تقریب اسـت درنتیجه فاحشـه به‌شـمار آمده و حرام است». (اسراء: ۳۲) «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصارِهِمْ وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذلِكَ أَزْكى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِما يَصْنَعُونَ وَ قُلْ لِلْمُؤْمِناتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَرِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» (نور: ۳۰و۳۱). در این آیه واجب شده است تا بر نامحرم غض بصر داشته باشند تا در حرام نیافتند. خلوت با نامحرم به‌شـیوه اولی، موجب وقوع در مفسـده می‌شـود. بنابراین، حرام اسـت (محمدعاشـور و حامدالحولی، ۲۰۰۷). «وَإِذَا سَـأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعاً فَاسْـأَلُوهُنَّ مِن وَرَاء حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنّ» (الاحزاب: ۵۳). در این آیه خداوند ارتباط بین زن و مرد را مدیریت کرده و فرموده اسـت چنین ارتباط‌هایی باید غیرمسـتقیم و باوجود حائل‌هایی باشـد. (شـحاته، ۲۰۱۱، ۱۷۲/۱). «عَنْ عُقْبَةَ بْنِ عَامِرٍ أَنَّ رَسُـولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ إِيَاكُمْ وَالدُّخُولَ عَلَى النِّسَـاءِ فَقَالَ رَجُلٌ مِنْ الْأَنْصَـارِ يا رَسُـولَ اللَّهِ أَفَرَأَيتَ الْحَمْوَ قَالَ الْحَمْوُ الْمَوْتُ». منظور از «حمو» در اینجا برادر زوج اسـت یا فرد غریبه نامحرم (بخاری، ۱۴۱۰). نووی در شـرح این حدیث آورده اسـت: «حمو در این حدیث شامل باقی مردان فامیل نیز می شود و ازآنجاکه در ارتباط او با زن تساهل صورت می‌گیرد و انکار او نیز پذیرفتنی است طبق روایت ترس از جانب ایشان نیز بیشتر است» (نووی، ۲۰۰۱، ۳۲۹۴/۸). عادت عرب بر این بوده اموری که مفسـده داشـته را به مرگ تشـبیه می‌کردند. برای مثال «الأسـد الموت، والحرب الموت»؛ زیرا نزدیکی به آنها مسـاوی با مرگ بوده

اســت. در این روایت نیز خلوت زن با مردان نزدیک فامیل نیز به مرگ یعنی، مرگ دین تعبیر شده است تا مبالغه در حرمت را برساند (عسقلانی، ۱۹۸۷، ۲۴۳/۹).

«حدثنا علی بن عبدالله حدثنا سفیان حدثنا عمرو عن أبی معبد عن ابن عباس عَنْ النَّبِی ﷺ قَالَ لَا یخْلُوَنَّ رَجُلٌ بِامْرَأَةٍ إِلَّا مَعَ ذِی مَحْرَمٍ فقام رجل فقال یا رسول‌الله امرأتی خرجت حاجة واکتتبت فی غزوة کذا وکذا قال ارجع فحج مع امرأتك». (بخاری، ۱۴۱۰) در این روایت و روایت بعدی حضرت به‌دلیل سد ضرایع و بستن باب فساد جنسی در جامعه، خلوت زن و مرد را حرام کرده است (شحاته، ۲۰۱۱، ۱۷۳/۱). علاوه‌بر روایات، عقل نیز دلالت بر حرمت خلوت با نامحرم دارد؛ زیرا از راه‌های ارتکاب به زنا و مقدمات آن است و باتوجه به حرام بودن زنا مقدمات آن نیز حرام است (کاسانی، ۱۴۰۶، ۵۳۷/۲؛ المرداوی، بی‌تا، ۳۱/۸). باتوجه به اینکه صدق خلوت در منابع اهل سنت موجب ثبوت مهر بر زوج می‌شود احکام خلوت صحیح و فاسد مورد توجه این منابع قرار گرفته‌اند و در تعریف خلوت صحیح دارند: «خلوت زوجین بعد از عقد ازدواج صحیح در مکانی‌که از اطلاع مردم به‌دور است (مانند خانه دربسته) با نبود مانع از نزدیکی، حسی (مانند بیماری)، طبیعی (مانند حضور شخص ثالث) و یا شرعی (مانند حیض یا روزه) در این شرایط خلوت صدق می‌کند» (الزحیلی، ۱۹۸۵، ۶۸۳۵/۹). مذاهب مختلف اهل سنت در مصداق خلوت با یکدیگر اختلاف‌نظر دارند. در ادامه به این نظرات اشاره می‌شود:

**۷-۱-۱. شافعیه**

شافعیه ممعتقدند که خلوت یک مرد با زنان یا مردان به یک زن یا مردان و زنانی که یک محرم در بین ایشان نیست، حرام است. صاحب مجموع بااستناد به قول مشهور و اعتماد به عدم جریان مفسده در خلوت مرد با زنان آن‌را مجاز می‌داند. نویسنده حاشیه جمل معتقد است: «درصورت ثقه‌بودن زن و وجود ترس اجتماعی یا حشمت از زن، خلوت مردان با زن جایز است» (بی نا، ۱۴۰۴، ۲۶۹/۱۹). خلوت به‌قصد درمان نیز جایز نیست و باید در حضور محرم، مردان و یا زنان ثقه باشد (شربینی، ۱۴۲۵، ۱۲۱/۲).

**۷–۱–۲. حنفیه**

حنفیه معتقد هستند که خلوت زن با مردان نامحرم جایی‌که ضرورت و نیاز شدیدی نیست، حرام است. (کاسانی الحنفی، ۱۴۰۶، ۵۳۷/۲) خلوت مرد با زنان نیز حرام است چه برای درمان و یا آموزش باشد مگر اینکه محرم و یا زوج باشد (ابن عابدین، ۱۹۹۲، ۳۶۸/۶).

**۷–۱–۳. حنابله**

حنابله معتقد هستند که خلوت زن با مردان نامحرم و بالعکس جایی‌که ضرورت و نیاز شدیدی نیست، حرام است. همچنین خلوت به‌قصد درمان و آموزش نیز حرام است، مگر اینکه همراه با محرم یا زوج باشد. (ابن‌قدامه، ۱۹۶۸، ۴۵۳/۷؛ ابن‌تیمیه، ۱۹۹۵، ۲۵۱/۳۲)

**۷–۱–۴. مالکیه**

مالکیه معتقد هستند که خلوت زن با مردان و یا مردان با زن اشکالی ندارد. (الساده، ۲۰۱۳) خلوت با پیرزن یا پیرمرد نزد مالکیه حرمت ندارد (المرداوی، بی‌تا، ۳۱۴/۹).

## ۸. نتیجه‌گیری

اسلام مکتبی جامع با ساختار منسجم است و می‌خواهد مردان و زنان مسلمان ازنظر روحی آرام و سالم باشند تا بتوانند قله‌های رفیع انسانی و رستگاری معنوی را فتح کنند. ازطرف‌دیگر به نیازهای غریزی و فطری خود نیز دست یابند. بنابراین، با حساسیت ویژه، اما واقع‌بینانه و بالحاظ طبیعت و امیال درونی و خواسته‌های نفسانی، انسان قوانین و احکامی را برای حفظ و نگهداری فرد، خانواده و جامعه در خط اعتدال و میانه‌روی وضع کرده است. ازجمله آن احکام، چگونگی ارتباط با جنس مخالف است. نتایج تحقیق نشان داد مستندات حرمت خلوت از نگاه منابع شیعه متعدد هستند، ولی ازنظر دلالت و به‌ویژه ازنظر سندی ضعیف هستند. بااین‌وجود، شهرت روایی دربین متقدمین فقها دارد و نمی‌توان از آن چشم‌پوشی کرد. روایات جواز خلوت نیز دلالت بر مطلب ندارند و شهرت فتوایی متأخرین بر عدم حرمت نیز قوت کافی ندارد. مهمترین دلیل گروه مقابل اصل برائت ازلی است. درنتیجه نمی‌توان به هیچ‌یک از طرفین حکم

داد. باتوجه به روایات متعدد گروه اول باید گفت احتیاط واجب بر ترک خلوتی اســت که نظارت بازدارنده دیگران وجود ندارد. در منابع اهل سنت نیز مستندات دلالت بر حرمت خلوت دارند، ولی در صــدق خلوت بر اجتماع زن با مردان و یا مرد با زنان اختلاف‌نظر دارند. به‌نظر غالب علمای اهل سنت، آموزش و درمان نیز از این حکم مستثنی نیست.

**فهرست منابع**


۱. ابن عابدین، محمد امین بن عمر بن عبدالعزیز (۱۴۱۲-۱۹۹۲). رد المحتار علی الدر المختار. بیروت: دار الفکر.
۲. ابن قدامه المقدسی (۱۳۸۸-۱۹٦۸). المغنی لابن قدامه. قاهره: مکتبه القاهره.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب. بیروت: دار الاصدار.
۴. ابن‌تیمیه الحرانی، تقی‌الدین ابوالعباس احمد بن عبدالحلیم (۱۴۱۶-۱۹۹۵). مجموع الفتاوی. المحقق: عبدالرحمن بن محمد بن قاسم. مدینه: مجمع الملك فهد.
۵. ابن‌قیم الجوزیه، محمد بن ابی بکر بن ایوب بن سعد شمس‌الدین (۱۴۱۱) اعلام الموقعین عن رب‌العالمین. تحقیق: محمد عبدالسلام ابراهیم. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۶. ابوجیب، سعدی (۱۴۰۸). القاموس الفقهی لغه و اصطلاحا. سوریه: دار الفکر.
۷. بحرانی، سیدمحمد (۱۴۲۹). سند العروه الوثقی. قم: نشر مکتبه الفدک.
۸. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۱۰). صحیح بخاری. قاهره: وزارت الاوقاف.
۹. بنی‌هاشمی خمینی، محمد حسن؛ اصولی، احسان (۱۳۹۴). توضیح المسائل مراجع مطابق با فتاوای شانزده نفر از مراجع معظم تقلید. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۱۰. تویسرکانی، میرزا عبدالغفار حسینی (۱۴۱۸). رساله فی الغناء. قم: نشر مرصاد.
۱۱. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). تفصیل وسائل الشیعه. قم: نشر مؤسسه آل‌بیت علیهم‌السلام.
۱۲. حسینی روحانی قمی، سید صادق (۱۴۱۲). فقه الصادق علیه‌السلام. قم: دار الکتاب.
۱۳. خویی، ابوالقاسم (۱۴۱۷). مصباح الفقاهه. قم: انصاریان.
۱۴. زحیلی، وهبه (۱۹۸۵). الفقه الاسلامی و ادلته. دمشق: دار الفکر.
۱۵. سیفی مازندرانی، علی‌اکبر (۱۴۱۷). دلیل تحریرالوسیله. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۶. شبیری‌زنجانی، سیدموسی (۱۴۱۹). کتاب نکاح. قم: مؤسسه پژوهشی رأی‌پرداز.
۱۷. شحاته، محمدصقر (۲۰۱۱-۱۴۳۲). الاختلاط بین الرجال والنساء، احکام وفتاوی. مصر: دار الیسر.
۱۸. الشربینی، محمد بن محمد الخطیب (۱۴۲۵). الاقناع فی حل الفاظ ابی شجاع. محقق: معوض، علی‌محمد. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۹. شهیدثانی، عاملی (۱۴۱۳). مسالک الافهام. قم: نشر معارف اسلامی.
۲۰. صدوق، ابن‌بابویه، محمدبن‌علی (۱۴۱۳). من لایحضره الفقیه. تصحیح: غفاری، علی‌اکبر. قم: انتشارات اسلامی.
۲۱. طباطبایی یزدی، سید محمدکاظم، (۱۴۲۱). حاشیه المکاسب. قم: نشر مؤسسه اسماعیلیان.
۲۲. عاملی، یاسین‌عیسی (۱۴۱۳). الاصطلاحات الفقهیه فی الرسائل العملیه. بیروت: دار البلاغه للطباعه.

۲۳. عبدالرحمان، محمود (بی‌تا). معجم المصطلحات و الالفاظ الفقهیه. قاهره: دار الفضیله.

۲٤. عسقلانی، ابن حجر (۱٤۰۷-۱۹۸۷). فتح الباری بشرح صحیح البخاری. محقق: محب‌الدین الخطیب وآخرین. قاهره: دار الریان للتراث.

۲۵. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۳۸۸). تذکره الفقها. قم: نشر مؤسسه آل البیت علیهم‌السلام.

۲۶. کاسانی الحنفی، علاءالدین.، و ابوبکر بن مسعود بن (۱٤۰٦). بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع. بیروت: دار الکتب العلمیه.

۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۴). اصول کافی. بیروت: دار المفید.

۲۸. محقق ثانی، عاملی.، و کرکی، علی بن حسین (۱۴۱۴). جامع المقاصد فی شرح القواعد. قم: نشر مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.

۲۹. محمد بن احمد بن عرفه الدسوقی المالکی (بی‌تا). حاشیه الدسوقی علی الشرح الکبیر. بیروت: دار الفکر.

۳۰. محمدعاشور، احمد محمود (۲۰۰۷). احکام الخلوه فی الفقه الاسلامی. فلسطین: جامعه الاسلامیه غزه.

۳۱. المرداوی، علاءالدین ابوالحسن علی بن سلیمان المرداوی الدمشقی (بی‌تا). الانصاف فی معرفه الراجح من الخلاف. قم: دار احیاء التراث العربی.

۳۲. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳). امالی. قم: نشر کنگره شیخ مفید.

۳۳. موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۶۳). تحریر الوسیله. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه‌الله.

۳۴. موسوی خوانساری، سیداحمد (۱۳۵۵). جامع المدارك. تهران: نشر صدو.

۳۵. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴). جواهر الکلام. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۳٦. النووی (۱٤۲۲-۲۰۰۱). شرح صحیح مسلم. محقق: عادل عبدالموجود.، و علی معوض. مکه: مکتبه نزار مصطفی الباز.

۳۷. وزاره الاوقاف والشئون الاسلامیه الکویت (۱۴۰۴). الموسوعه الفقهیه الکویتیه. کویت: ناشر وزاره الاوقاف والشئون الإسلامیه للکویت.